

دوره نهم

رمضان - شماره شانزدهم



دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
روابط عمومی

تحلیل پیام های قرآنی در ماه مبارک رمضان - بخش دوم

پیام دوم قرآنی: تقوا

چرا که ملاک قبولی تقرب بودن قربانی کردن قربانی قابیل قبول شد ولی هابیل ردگردید. در روایات آمده است که هابیل، دامدار بود و بهترین گوسفند خود را برای قربانی آورد و قابیل، کشاورز بود و بدترین قسمت زراعت را برای انفاق در راه خدا برگزید: کافی، ج ۸، ص ۱۱۳))

تقوا پیام و منزل دوم سلوک عرفانی، قرآنی است که ۱۷ بار ماده آن و ۲۰۰ بار مشتقات آن در قرآن آمده است، و مردم توصیه و سفارش به آن شده اند، برای اینکه برداشت همه جانبه ای از (تقوا) این پیام و درس قرآنی داشته باشیم بیان چند نکته لازم و ضروری است:

اول: اهمیت و ارزش کاربردی تقوا

۲- خیرالزاد: قرآن کریم ما ادمیان را مکلف می کند برای آخرت خویش زاد و توشه آماده و مهیا کنیم ولی نکته لطیف قرآنی آنست که بهترین زاد و توشه را ((تقوا)) دانسته و در آیه (۱۹۷) سوره بقره می فرماید: ((الْحَجُّ أَشْهَرُ مَعْلُومَاتٍ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ وَمَا تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَ تَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى وَ اتَّقُونِ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ: موسم عمره و حج (در ماههای معینی است (شؤال، ذی القعدة، ذی الحجة)، پس هر که در این ماهها فریضه ی حج را ادا کند، (بداند که) آمیزش جنسی و گناه و جدال در حج روا نیست و آنچه از کارهای خیر انجام دهید خدا می داند. و زاد و توشه تهیه کنید که البته بهترین زاد و توشه، پرهیزگاری است. ای خردمندان! تنها از من پروا کنید.))

میزان و درجه اهمیت و جایگاه ((تقوا)) را از تعبیراتی که قرآن کریم نسبت به این مقوله اخلاقی و عرفانی دارند می توان فهمید و درک نمود:

۱- تقوا ملاک قبولی اعمال: میزان و ملاک قبولی اعمال صالحه به کثرت یا قلت، کم یا زیاد اعمال صالحه نیست هر چند ساختن مسجد باشد.

توصیه به تقوا در ضمن اعمال مناسک حج شاید از این جهت باشد همان گونه که انسان در سفر حج نیازمند توشه مادی کافی و مناسب است، در عزیمت به آخرت نیز محتاج اندوخته معنوی تقواست و چون انسان در سفر پرمخاطره حج به ضرورت زاد و نیاز مبرم به آن پی می برد، به خوبی می تواند دریابد سفر آخرت نیز بی توشه تقوا میسر نیست و از آنجا که حرکت به سوی آخرت بسی پر مخاطره تر از سفرهای دنیایی و رحلتی جاودانه است، نیاز انسان به توشه آخرت بسیار بیشتر و اساسی تر است.

بلکه ملاک امیختگی ((اعمال باتقوا)) و خالی بودن از ریاء کاری است، از همین روست در آیه (۲۷) سوره می فرماید: ((وَ اتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَيْ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتَقَبَّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ: ای پیامبر!) داستان دو پسر آدم را به حق بر مردم بازخوان، آنگاه که (هر يك از آن دو) قربانی پیش آوردند، پس از یکی (هابیل) پذیرفته شد و از دیگری (قابیل) قبول نگشت. (قابیل) گفت: حتماً تو را خواهم کشت، (هابیل) گفت: خداوند، تنها از متقین قبول می کند.))

سوم: مراتب تقوا

درباره ی مراتب و معنای تقوا به یک روایت نورانی در شرح و توضیح تقوا اکتفا می کنیم که از امام صادق علیه السلام حکایت شده، تقوا بر سه گونه است:

نوع اول، تقوای بالله فی الله است؛ یعنی در راه خدا و برای خدا از هر چه غیر خدا است، گذشتن. هر کس به این مرتبه رسید، به واسطه ترس از افتادن به دام حرام و شبهه، حتی از بعضی کارهای حلال نیز پرهیز می کند. این مرتبه، بالاترین مرتبه تقوا است که به آن، تقوای خاص الخاص هم می گویند.

نوع دوم، تقوای من الله است که به معنای گذشتن از شبهه به واسطه خوف از حرام است و این، تقوای خواص می باشد.

نوع سوم، تقوای از جهنم و عذاب است؛ یعنی به سبب ترس از عذاب و عقاب ترک حرام می کند و این، تقوای عوام الناس است.

سپس حضرت می فرماید: تقوا و پرهیزکاری، مانند آبی است که در نهری روان باشد و این سه مرتبه تقوا، مانند درختانی هستند که بر لب آن نهر، غرس شده باشند که به قدر لطافت و ظرفیت خود، از آن نهر آب استفاده می کنند و خلق هم از این درختان به طور مختلف بهره مند می شوند: شرح مصباح الشریعه، عبدالرزاق گیلانی، (ص ۵۳)) از همین روست استاد حضرت علامه جوادی آملی حفظه الله تعالی در این خصوص می فرمایند: پرهیزکاران از نظر تعظیم شعائر (تکریم اوامر و نواهی الهی) سه گروه اند:

۳- تقوا ملاک کرامت آدمیان: میان مرد و زن، عرب و عجم و گروه ها، قبائل مختلف و نژادهای گوناگون انسان فرقی نیست چرا که همه از خاک آفریده شدند و همه از یک پدر و مادرند که آدم و حوا باشند پس از این جهت بر یکدیگر برتری ندارند و برتری فقط در رعایت تقواست و با تقواتر در پیشگاه خداوند گرمی تر است، از همین رو درایه (۱۳) سوره حجرات آمده است ((أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ: ای مردم! ما شما را از مرد و زن آفریدیم و شما را تیره ها و قبیله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید، همانا گرمی ترین شما نزد خدا، با تقواترین شماست، همانا خدا دانای خبیر است.))

دوم: معنا و مفهوم تقوا

تقوا در اصل از ماده «وقی یقی وقایه» به معنای قرار دادن خویش در پناهگاه است و در اصطلاح شرع، به معنای خویشتن داری در برابر گناهان است. (مفردات راغب ج ۱، ص ۸۸) ولی در اصطلاح علمای اخلاق و عرفان تقوا عبارت از یک نیروی بازدارنده ای باطنی است که به صورت یک ملکه نفسانی و نیروی درونی در وجود انسان به وجود می آید و او را در برابر طغیان شهوات و ارتکاب کارهای خلاف واکسینه و حفظ می کند از همین رو بعضی از بزرگان، تقوا را به حالت کسی تشبیه کرده اند که از یک سرزمین پر از خار عبور می کند، سعی دارد دامن خود را کاملاً برچیند و با احتیاط گام بردارد مبادا نوک خاری در پایش بنشیند، و یا دامنش را بگیرد. این تشبیه به خوبی استفاده می شود که تقوا به این نیست که انسان انزوا و گوشه گیری انتخاب کند، بلکه باید در دل اجتماع باشد و اگر اجتماع آلوده بوده خود را حفظ کند: (تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۸۰،)

امرو نهی خداست، بلکه از این جهت که خدا محبوب بالاصاله و عظیم و اعلاى بالذات است، آنچه از ناحیه او و به او منسوب باشد نیز از عظمت و حرمت برخوردار است. (تفسیر موضوعی / علامه جوادی آملی / ج ۱)

چهارم: کارکرد و آثار عملی تقوا

باتامل پیرامون آیات قرآنی می توان آثار عملی و کارکرد های فراوانی را برای ((تقوا)) فهرست کرد ولی از باب ((مالایدرک کله لایترک کله)) چند آثار و کارکرد برجسته عملی تقوا را در اینجا می اوریم:

۱- بصیرت و تشخیص حق از باطل

همان طوری که تفکر راهی است که انسان را به حقایق جهان هستی آشنا می کند. تقوا هم طریقی است که انسان را قادر به مشاهده حقایق و اسرار عالم می گرداند، هر قدر خواهش های مادی کمتر باشد و دل آدمی متوجه معبود گردد، معرفت فطری شکوفاتر و عبادت درونی نمود بیشتری می یابد، لذا متقی معارف دینی را آشکارا مشاهده کرده و می یابد. اما انسان بی تقوا آن چنان در تاریکی فرو می رود که اگر همه آیات الهی را به او ارائه دهند، چیزی نمی بیند.

از این رو اگر انسان راه تقوا و پاکی نفس را طی کرد هم اسرار عالم را می بیند و هم صراط مستقیم را به آسانی می پیماید. چنانچه حضرت حق می فرماید: «إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا» (۲) اگر با تقوا بودید خداوند توان فرق نهادن بین حق و باطل را نصیب شما می کند.» اگر چه عقل آدمی برای درک حقایق آماده است، اما گاهی هوس ها و محبت های پوچ و

گروه اول کسانی هستند که در مقام عمل، متقی هستند. این ها از جهنم نجات پیدا کرده به بهشت می رسند؛ اما تقوی دل چیز دیگری است. گاهی انسان خود را بزرگ دانسته و محبوب می دارد و برای نجات جان خود از عذاب دست به آلودگی دراز نمی کند. چنین شخصی، گر چه اوامر الهی را انجام داده، و از نواهی پرهیز کرده اما در حقیقت او خود را بزرگ می دارد؛ نه دستورهای الهی را او متقی است اما تقوای بدنی دارد نه تقوای دل و در مرحله عمل، با تقوی و طهارت است.

گروه دوم که از گروه اول بالاترند، کسانی هستند که شعائر الهی را بزرگ می شمارند، یعنی آنچه را که خدا به آن امر کرده، چون فرمان الهی است گرامی می دارند و به آن عمل میکنند و از آنچه خدا نهی کرده، چون نهی خداست پرهیز میکنند. این گروه نیز از دوزخ میرهند و به بهشت میرسند و تقوای آنان نیز تقوای قلب است؛ زیرا دستورات الهی را، از آن جهت که دستور الهی است گرامی میدارند نه از آن جهت که ضامن نجات از دوزخ و مایه وصول به بهشت است. کسی که برای نجات از جهنم تلاش و کوشش میکند عبد النجاه من النار و آن کس که برای رسیدن به بهشت کوشش می کند عبد الفوز بالجنه است نه عبد الله! او پس از نجات از جهنم و ورود به بهشت، مانند مزدوری است که اجرتش را بعد از کار، از کارفرما میگیرد، دیگر رابطه ای با کارفرما ندارد.

گروه سوم که از گروه اول و دوم بالاترند، کسانی هستند که اوامر و نواهی الهی را تکریم می کنند، واجب ها و مستحب ها را انجام می دهند، حرام ها و مکروه ها را ترک می کند، نه برای رهیدن از جهنم و رسیدن به بهشت و نه برای اینکه

یاری می رساند چنانچه در سوره طلاق آیه (۲) فرموده: «مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا: هر که تقوا بورزد خداوند راه گشایش در سختی ها به او عطا می کند.» آن گونه که طبق بیان نورانی رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ حتی اگر آسمان ها و زمین برای فرد متقی در هم پیچیده شود، خداوند برای او راه گشایش و فرج را می نمایاند.

و نیز درایه (بحار، ج ۷۰، ص ۲۸۶) می فرماید: «مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا: هر که تقوا بورزد، خدا کار را بر او آسان می گرداند» از دیگر سوی این فرقان و تعلیم الهی، هشیاری و فراستی به فرد پارسا می دهد که در برابر دشمنان و حيله گران نیز خود را نمی بازد و در تنگنا قرار نمی گیرد چرا که او با نور خداوندی می نگرد لذا حضرت حق درایه (۱۲۰) سوره آل عمران وعده می دهد که «إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا: اگر صبر کرده تقوا پیشه کنید، مکر و حيله آنان به شما ضرری نمی رساند.»

۴- پاداش اخروی و آمرزش گناهان

آنچه از بهشت و پاداش های اخروی، برای انسان ها وعده داده شده است، همه در سایه تقوا و انجام واجبات الهی و پرهیز از محرمات است، بهشت برین با تمامی نعمت های بی پایانش برای پارسایان مهیا گردیده است که «أُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ؛ (۳۱/ق) بهشت را به اهل تقوا نزدیک سازند» اما آنچه که برای پرهیزکاران، چشم روشنی بزرگ است آن است که خداوند را با صفت رحمانیتش مشاهده خواهند نمود که فرمود «يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا؛ (۳۵/مریم) روزی که متقین را به سوی خدای رحمان به اجتماع محشور گردانیم» پس آنان در جایگاهی بس

حرص های بی مورد، چونان غباری مانع دید عقل می گردند لذا شناخت حق از باطل، نیک از بد و راه و چاه در مسیر حرکت انسان مشکل می گردد و این تقوا و تهذیب نفس است که نورانیتی ایجاد کرده و غبار راه را می نشاند.

۲- گشایش و برکت زندگی

بهره مندی از روزی و برکات آسمان و زمین

خداوند سبحان بندگان خود را آن چنان ظریف روزی می دهد که کس را بر آن وقوفی نیست. در های خزائن الهی را طوری می گشایند که مشهود کسی نمی باشد.

از این رو کسی شایسته روزی الهی است که در کارهای خود، ظریف و دقیق باشد و ظرافت در سیر و سلوک، همان تقوای اعتقادی، اخلاقی و عملی است.

لذا در سوره طلاق آیه (۲-۳) می فرماید: «مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ: هر که تقوا پیشه کند، خداوند برای او راه خروج از تنگنا قرار می دهد و از آن جایی که گمان نمی برد به او روزی عطا کند.»

۳- نجات از سختی ها و خروج از بن بست ها

چنان چه گذشت، فرد متقی از تعلیم الهی برخوردار بوده و توان تشخیص حق از باطل نصیب او شده است لذا او در دشواری های زندگی فردی و اجتماعی خود درمانده نمی گردد و در تنگنا نمی ماند. او صاحب دید نیرومندی است که او را در مصائب و سختی ها

صبر دعوت کنید) و از مرزها مراقبت کنید و از خداوند
پروا داشته باشید، شاید که رستگار شوید.)

به قلم: «مبلغ نخبه حجت الاسلام و المسلمین سید
محمدتقی قادری»

منبع: <https://www.balagh.ir>

رفیع و منیع به محضر ربوبی راه یابند «فِي مَقْعَدِ
صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ؛ در جایگاه صدق نزد مالک
مقتدر» به وصال معشوق حقیقی برسند.»

و همچنین گناهایی که از آدمی سر می زند به مرور او
را از درگاه الهی دور و دورتر می گرداند و قلبش را تاریک
می سازد، اما خدای مهربان که پذیرای توبه بندگان
است، در عین آنکه وعده آمرزش و محو گناهان
می دهد.

آنان را به رعایت حرمت او امر خویش فرا می خواند
: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَكْفُرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ؛ (۵/طلاق) هر که
تقوای الهی پیشه سازد، گناهان او را بپوشد و بیامرزد»
از دیگر سوی آیه شریفه از بین رفتن گناهان و آثار آنها
را از پاداش هایی بر می شمرد که بر پرهیزگاری مترتب
می گردد.

پس هر آن که به مقام والای تقوا نایل آید و سعی در
جبران گذشته خود نماید، با نور عبادت و اطاعت
خالق خویش، تاریکی ها را از دلش برطرف ساخته و
قدم در سعادت و رستگاری می نهد که فرمود «قَدْ أَفْلَحَ
مَنْ زَكَّهَا (۱۰/شمس)

براستی رستگار شد آنکه نفس خویش را پاک گرداند»،
از این رو خدای سبحان بندگان را به اجتناب از معاصی
دعوت می کند تا آنان در سایه پارسایی به فلاح و
رستگاری دست یابند چنانکه در آیه (۲۰۰) سوره آل
عمران فرموده است: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا
وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ: ای کسانی که ایمان
آورده اید! (در برابر مشکلات و هوسها) استقامت کنید
و (در برابر دشمنان نیز) پایدار باشید (و دیگران را به



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

